

رویارویی با نابرابری فضایی ضمن به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی (مورد مطالعه: منطقه ۱۳ شهر تهران)

مهديه خالوباقري^۱

چکیده

رشد سریع شهرنشینی، مشکلات متعددی را در شهرهای کشورهای کمتر و بیشتر توسعه یافته به همراه داشته است. از جمله عمده ترین این مشکلات، نابرابری های فضایی است که گسترش و بسط آن، ساختار فضایی شهرها را دچار تغییر و تحول می کند. تداوم نابرابری های فضایی و افت کیفیت زندگی در برخی نواحی خرد شهری و نارسایی شیوه های موجود، ضرورت تمهید و اختیار شیوه های متفاوت اما امکان پذیر در برنامه ریزی و مدیریت شهری را مطرح می سازد. این نوشتار در پی تأکید بر ضرورت توجه به افت کیفیت زندگی در نواحی دارای نابرابری های فضایی است که نیازمند تحلیل، تفسیر و تبیین ساختار ویژه خود، علل پدیدار شدن ساختار نابرابر و افت کیفیت زندگی در آنها، بروز تهدیدها و مشکلات، حضور فرصت ها و مهمتر از همه، دوری جستن از رویکرد سنتی در برنامه ریزی و مدیریت نواحی خرد شهری می باشد. در این راستا، یکی از نواحی خرد شهر تهران که دارای مشکل نابرابری فضایی و افت کیفیت زندگی است، انتخاب گردیده و به پیش شرط های راه اندازی سازوکار برنامه ریزی و مدیریت در آن، اشاره شده است. بدیهی است تدوین برنامه ای مناسب به منظور تعدیل یا حذف نابرابری ها به همراه افزایش مشارکت مردمی در مدیریت شهری و بهره گیری از انگاشت چندبعدی و جامع کیفیت زندگی در چارچوب برنامه ریزی شهری - به دور از شیوه های رایج و متداول - به عنوان عمده ترین هدف این نوشتار، می تواند در رسیدن به برابری و تحقق عدالت در شهرها مؤثر باشد.

واژه های کلیدی: نابرابری فضایی، کیفیت زندگی، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، برنامه ریزی نواحی خرد شهری

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه شهید بهشتی، مسئول مکاتبات: mahdeie.bagheri@yahoo.com

۱- مقدمه

افزایش فزاینده شهرنشینی، پیامدهای بسیاری را در جهان به همراه داشته است که از پیامدهای عمده آن، فقر، محرومیت و انواع نابرابری‌های فضایی^۱ است و شهرهای بسیاری از کشورهای کمتر و بیشتر توسعه‌یافته با آن روبه‌رو شده‌اند (دانشپور، ۱۳۷۸). بررسی نابرابری فضایی، از آن جهت اهمیت دارد که آگاهی بر نحوه عملکرد، شکل، ویژگی‌های خاص و تحولات ساختار فضایی در یک شهر و علل مؤثر بر ایجاد عدم تعادل بین نواحی مسکونی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را در مورد درک عواقب تصمیمات خود یاری می‌رساند. این ویژگی در عین حال لزوم توجه به تدوین راهبردها و سیاست‌های متفاوت برای هر یک از نواحی مختلف مسکونی را مشخص می‌سازد. از سوی دیگر، تحت تأثیر رواج و گسترش مفاهیم کیفی و اجتماعی توسعه؛ از جمله کیفیت زندگی شهری، مباحث و موضوعات جدیدی در عرصه برنامه‌ریزی شهری مطرح شده که تحول در شیوه‌ها و روش‌های آن را به دنبال داشته است. برنامه‌ریزی شهری تحت تأثیر این مفاهیم، دیگر فقط برنامه‌ریزی برای تأمین نیازها و خواسته‌های کالبدی-کارکردی شهروندان نیست، بلکه در واقع هدف اصلی آن علاوه بر تأمین نیازهای فوق، پاسخگویی به نیازهای روانی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی (نظیر رضایت، شادمانی، مسکن با کیفیت، حمل‌ونقل با کیفیت و جز آن) و دستیابی به کیفیت مطلوب محیط زندگی در شهرها است.

شهر تهران همواره با مشکل اغتشاش در ساختار فضایی و بروز پدیده جدایی اجتماعی مواجه بوده است. ویژگی‌های مربوط به مکانیزم هدایت و کنترل شهری و ویژگی‌های بوم‌شناختی این شهر، باعث ایجاد نابرابری فضایی در سطح شهر و نواحی مسکونی خاص گروه‌های اجتماعی-اقتصادی گوناگون شده است. از این‌رو، یکی از نواحی خرد شهر تهران با هدف درک هر چه بیشتر نابرابری فضایی در آن، مورد توجه قرار گرفته است تا بتوان با به‌کارگیری تمهیداتی مناسب متکی بر برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، به اهداف

برابری، افزایش فرصت‌ها و ارتقای کیفیت زندگی در آن، دست یافت.

رهیافت‌های سنتی مورد استفاده در فرایند برنامه‌ریزی شهری برای رویارویی با نابرابری‌های فضایی موجود در نواحی شهری به دلیل نداشتن نگاهی جامع و چندجانبه (به ویژگی‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی) نتوانسته‌اند به نتایج قابل قبولی در این زمینه دست یابند؛ زیرا متفاوت با دستاوردهای نظری و تجربیات جهانی بوده و نگاهی سنتی و یکنواخت به انواع گوناگون فضاهای نابرابر شهری را دنبال می‌کنند. بنابراین ضرورت دارد که برای برنامه‌ریزی، روشی نوین معرفی و استفاده شود که بتواند با نابرابری فضایی، رویارویی کرده و تمام ابعاد زندگی در این نواحی را به صورت جامع و چندجانبه در نظر گیرد تا ضمن ارتقای کیفیت زندگی در نواحی که نابرابری فضایی دارند، از طریق شناخت ویژگی‌های جوامع مختلف، به نیازهای محلی پاسخ دهد. هدف این مقاله تأکید بر اهمیت رویارویی با نابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در نواحی شهری و همچنین ارائه چارچوبی است که بتوان با استفاده از برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، با نابرابری‌های فضایی موجود در نواحی شهری مقابله کرد و راه‌حل مناسبی برای آن ارائه داد.

به منظور دستیابی به این هدف کلی، پس از معرفی چارچوب‌های نظری، فنی و تجربیات جهانی مرتبط با انگاشت‌های کلیدی موضوع، چارچوب برنامه‌ریزی پیشنهادی برای رویارویی با نابرابری فضایی با به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، مبتنی بر دو مسیر محتوایی و روندکاری و به‌کارگیری آن در نمونه موردی، ارائه می‌شود. از جمله دستاوردهای نوشتار پیش رو علاوه بر پیشنهاد فرایند مذکور، معرفی معیارها، سنجها و روش مناسب سنجش نابرابری فضایی و کیفیت زندگی در نواحی خرد شهری بر اساس توجه به تمام ابعاد برنامه‌ریزی فضایی در سه زمینه طبیعی، فضایی-فعالیتی و تصمیم‌گیری می‌باشد.

سابقه مطرح شدن انگاشت کیفیت زندگی بسیار محدود است (مربوط به مطرح شدن مفاهیم کیفی در برنامه‌ریزی شهری). مطالعاتی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته نیز

۱- تفاوت بین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی

محدود به سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی شهری به‌منظور برنامه‌ریزی در آنها بوده و تاکنون پژوهش گسترده‌ای در زمینه به‌کارگیری این انگاشت در برنامه‌ریزی شهری به‌منظور برطرف ساختن یکی از مشکلات شهری خاص (در این تحقیق، نابرابری فضایی) انجام نگرفته است.

۱-۱- نابرابری فضایی

نابرابری فضایی به‌عنوان یک مشکل برنامه‌ریزی، زمانی بروز می‌کند که ساختار فضایی نواحی مختلف یک شهر دارای تفاوت‌های بارز و آشکاری باشند؛ تفاوت‌هایی که نیاز به تدوین راه‌حل‌های برنامه‌ریزی گوناگون در مورد نواحی مختلف داشته و جوابگوی هدف والای ایجاد برابری فضایی در یک شهر باشند (حسامیان، ۱۳۷۸).

درک علل نابرابری فضایی در نواحی شهری مستلزم شناخت ساختار شهر و بررسی نقش نیروهای اثرگذار بر شکل‌گیری فضا و تفاوت‌های ماهوی نواحی گوناگون آن است. با توجه به این که شهر، جلوه فضایی ساختارهای طبیعی، فضایی- فعالیتی و تصمیم‌گیری در طول تاریخ است، درک نابرابری فضایی در آن نیز با تمام پیچیدگی‌هایش مستلزم شناخت و درک ساختارهای مذکور و ارتباطات و ترکیبات پیچیده‌ای است که بین نیروهای این سه ساختار، برقرار شده است (هاروی، ۱۳۷۶).

فضاهای نابرابر شهری موجب می‌شوند تا فرصت‌های نابرابر در اختیار ساکنان نواحی مختلف قرار گیرند و این به توزیع نابرابر خدمات رفاهی، شکل‌گیری و رشد نواحی فرسوده فقیرنشین^۱ و افت و محرومیت^۲ نواحی شهری به‌عنوان عمده‌ترین پیامدهای نابرابری در نواحی شهری منتهی می‌شود. چنین فرایندی در یک چرخه بازخوردی، تضادهای فضایی را تشدید کرده و به تعمیق نابرابری‌های فضایی موجود منجر می‌گردد که خود زمینه‌ساز جدایی‌گزینی‌های مسکونی و عمیق‌شدن شکاف موجود بین سطح توسعه‌یافتگی نواحی شهری خواهد شد (کلانتری، ۱۳۸۰).

کنش متقابل^۳ بین گروه‌های اجتماعی، بنیان‌گذار سیستمی است که هدف آن مرتبط‌کردن رفتارها و ویژگی‌های خاص اجتماعی- اقتصادی ساکنین یک شهر به شکل فضایی آن می‌باشد و تحت عنوان بوم‌شناختی اجتماعی^۴ بررسی می‌شود. این سیستم را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد: نخست، علل پیدایش نواحی مسکونی؛ شامل نظریات برزن‌های شهری برگس^۵، اجاره، بوم‌شناختی پراگ^۶، شهر سوسیالیستی و نظریه رده‌های مسکونی و دوم، کنش متقابل بین نواحی مسکونی شامل نظریه‌های رشد شهری برگس، اثرات پاکسازی نواحی مخروبه، نظریه مربوط به مهاجرت درون‌شهری، نظریه مربوط به فرایند پالایش، نظریه‌پرانندن، دگرشوندگی نواحی مسکونی و شهرهای جدید (دانشپور، ۱۳۷۸).

روش‌های متنوعی برای مقایسه نواحی به‌منظور شناسایی و سنجش نابرابری فضایی وجود دارد، از جمله می‌توان به تحلیل اثرات متقابل معیارها اشاره کرد که در آن طیفی از معیارهای مناسب، امتیازدهی و وزن‌دهی شده، سپس رتبه‌بندی می‌شوند (نصیری، ۱۳۸۸). برای تحلیل اثرات متقابل معیارها، فنون متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند که عبارتند از: فنون ترکیب رتبه‌ای، فنون ترکیب خطی، فنون ترکیب غیرخطی، فنون ترکیب عوامل، فنون ترکیب دستوری، فنون تلفیقی، فنون تجزیه و تحلیل سیستمی، فنون تحلیل سلسله مراتبی و غیره. برای انتخاب گزینه بهینه در هر یک از این فنون باید معیارهای وزن داده شده را ترکیب و لایه‌ها را تلفیق نمود. روش‌های دیگری نیز وجود دارند که براساس تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری و دسترسی به آنها، به صورت یکپارچه به شناسایی، تحلیل و سطح‌بندی نابرابری‌های فضایی در نواحی شهری می‌پردازند. این دسته از روش‌ها اگرچه بسیار پرکاربرد هستند ولی چون تنها به معیارهای کالبدی نابرابری توجه داشته و سایر معیارها را در نظر ندارند، در این زمینه با کمبود مواجه می‌شوند (رضوانی، ۱۳۸۸).

3- Interaction
4- Socio-Ecological
5- Burgess
6- Prague

1- Urban Slums
2- Urban Decline and Deprivation

جامع برای کاهش مشکل نابرابری فضایی در نواحی درونی شهرها می‌باشد (خالوباقری، ۱۳۹۰).

۱-۲- انگاشت کیفیت زندگی

کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است که با وضعیت جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص، ارتباط دارد؛ از این رو می‌توان آن را به مثابه کنش متقابل بین نیازهای انسانی و احساس ذهنی نسبت به تأمین این نیازها- بهزیستی ذهنی- در نظر گرفت (رضوانی، ۱۳۸۷). ارائه تعریفی دقیق و مورد توافق از انگاشت پیچیده و چندبعدی کیفیت زندگی بسیار دشوار است؛ تعاریف مختلف نیز براساس هدفی که از آنها دنبال می‌شود ویژگی‌های متفاوتی دارند (نجات، ۱۳۸۷) که زمینه دسته‌بندی آنها را در سه گونه فراهم می‌آورند. این سه گونه عبارتند از:

نخست: تعاریفی که به بُعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند.

دوم: تعاریفی که به بُعد عینی کیفیت زندگی توجه دارند.

سوم: تعاریفی که همزمان به ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی توجه دارند (رضوانی، ۱۳۸۷).

جدول ۱ بیانگر تعاریف متفاوت از انگاشت کیفیت زندگی می‌باشد.

در راستای سنجش نابرابری‌های فضایی، اولین و مهمترین گام، معرفی معیارهای مناسب سنجش است. پنج دسته‌بندی کلی از انواع معیارهای سنجش نابرابری فضایی مورد استفاده در مطالعات مختلف، قابل شناسایی‌اند که عبارتند از: معیارهای خدمات عمومی و اجتماعی-اقتصادی، رفاه و عدم رفاه، کالبدی و اجتماعی، کاربردها و خدمات رفاهی و منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی. پس از شناسایی نابرابری فضایی باید رهیافت مناسبی را برای مقابله و کاهش آن، به کارگرفت (خالوباقری، ۱۳۹۰). با توجه به انواع نواحی نابرابر شهری، رهیافت‌های مختلفی قابل اتخاذ می‌باشند که از میان آنها دو رهیافت پرکاربردترند:

نخست- رهیافت تجدید حیات شهری^۱ که بینش و عمل تفصیلی و جامعی برای حل مشکلات شهری است و مشارکت افراد و نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها و پایداری محیط زیست در نواحی خرد شهری را مورد توجه قرار می‌دهد.

دوم- رهیافت ارتقای کیفیت محیطی^۲ که برای نواحی نابرابر فضایی که بیشتر در لبه‌های نواحی تجاری یا در حاشیه شهرها شکل می‌گیرند، به کار می‌رود و مبتنی بر آن است که برای رفع مشکلات نواحی نابرابر باید کل فرایند زندگی و مجموع شرایط ساکنان را به همراه بارزترین نمودهای سیاسی شهری و نقصان‌های نهادی، هدف قرار داد (دانشپور، ۱۳۸۷).

تجربیات کشورهای بیشتر توسعه‌یافته (تجربه کشورهای انگلیس و آمریکا) و کشورهای کمتر توسعه‌یافته (تجربه کشور اندونزی) در برخورد با نابرابری فضایی در نواحی شهری نیز به‌منظور آشنایی با اهداف، سیاست‌ها و اقدامات مختلف این کشورها در مورد نابرابری فضایی، افت شهری و محرومیت اجتماعی، نشان‌دهنده گذار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری این کشورها از برخورد یک‌جانبه با نابرابری‌های فضایی به سوی توسعه مشارکتی، متناسب با تحولات برنامه‌ریزی شهری، تشکیل خط‌مشی جدید و تطبیق امور با اهداف توسعه پایدار و بهره‌گیری از برنامه تجدید حیات شهری به‌عنوان یک رهیافت

1- Urban Regeneration Approach

2- Quality Upgrading Approach

جدول ۱- تعاریف متفاوت از انگاشت کیفیت زندگی

ردیف	ابعاد کیفیت زندگی	محقق	تعریف کیفیت زندگی
۱	عینی	لیو ^۱ - ۱۹۸۳	عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود
۲		میشل و همکاران ^۲	مجموعه عواملی همچون سلامتی، محیط فیزیکی، منابع طبیعی، توسعه فردی و امنیت (Morais, 2010)
۳		مولر ^۳ ۱۹۸۲	میزان رفاه افراد و گروه‌ها در شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی
۴		پسیون ^۴ - ۱۹۹۵	وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند؛ مانند آلودگی و کیفیت مسکن و نیز برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم؛ مانند سلامتی و دسترسی
۵	ذهنی	کوستانزا و همکاران ^۵ - ۲۰۰۷	میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات فرد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی
۶		گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ^۶	ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانی‌های فرد (WHOQOL Group, 1993)
۷	عینی و ذهنی	فو ^۷ - ۲۰۰۰	رضایت کلی فرد از زندگی
۸		پسیون - ۲۰۰۳	وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند و همچنین برخی از صفات و ویژگی‌های خود مردم
۹		داس ^۸ - ۲۰۰۸	بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها
۱۰		جنز ^۹ - ۲۰۰۵	ساختاری چندبعدی شامل قلمروهای مادی، احساسی، روانی، اجتماعی و رفتاری
۱۱		هاجرتی و همکاران ^{۱۰} - ۲۰۰۱	اصطلاحی که بر کیفیت زندگی افراد و نه فقط بر برخی از قلمروهای زندگی دلالت می‌کند. اگر کیفیت زندگی به اجزای مختلف تقسیم شود، باید اجزای آن در مجموع، یک ساختار کلی به نام کیفیت زندگی را نمایش دهند (Hagerty et al., 2001).

منبع: (مطالعات نگارنده)

- 1- Liu
- 2- Mitchell et al
- 3- Moller
- 4- Pacione
- 5- Costanza. et al
- 6- Whoqol Group
- 7- Foo
- 8- Das
- 9- Janse
- 10- Hagerty et al

معیارهای سنجش کیفیت زندگی را نیز می‌توان در دو گروه سنجش‌های ذهنی و شاخص‌های عینی، جای داد. سنجش‌های ذهنی از طریق پیمایش و پرسشگری از ادراک، رضایت و ارزیابی مردم از زندگی خود به دست می‌آیند و شاخص‌های عینی از طریق به‌کارگیری داده‌های حاصل از گزارش‌ها و آمارهای رسمی حاصل می‌شوند (نوغانی، ۱۳۸۷). برای سنجش کیفیت زندگی ابتدا باید تمامی ابعاد، جنبه‌ها و شاخص‌های تشکیل‌دهنده این انگاشت، شناسایی شوند تا بتوان به تعریفی جامع و کامل دست یافت. جدول ۲، به بررسی سنجش‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی در مطالعات مختلف می‌پردازد.

نظریات مرتبط با انگاشت کیفیت زندگی، از انتظام‌های فکری گوناگون توسعه‌یافته است. این نظریات، متعدّدند اما عمده‌ترین آنها عبارتند از:

نظریه لذت‌طلبی: کیفیت زندگی را فهرستی از عوامل عینی می‌داند که بر ادراک و ذهنیت فرد تأثیر می‌گذارد (رضاپور، ۱۳۸۹).

نظریه برتری: تکامل تمایلات ذاتی^۱ یک شخص، تنها مورد حائز اهمیت در سنجش کیفیت زندگی است و ارتقای کیفیت زندگی فرد را نتیجه برآورده شدن تمایلات و آرزوهای او می‌داند (رضاپور، ۱۳۸۹).

نظریه فایده‌باور: بعد نظری این نظریه که ارزش‌ها و آرزوها را در بر می‌گیرد با کیفیت زندگی ذهنی، ارتباط دارد و بعد عملی آن، به سنجش فایده در زندگی مادی مربوط می‌شود و با کیفیت زندگی عینی ارتباط دارد (رضاپور، ۱۳۸۹).

نظریه نیازهای انسانی (THN):^۲ به شناخت ماهیت نیازها و دسته‌بندی آنها پرداخته و بیان می‌کند که رضایت‌مندی از برآورده شدن نیازهای انسانی، شکل‌دهنده رضایت‌مندی از زندگی است (رضاپور، ۱۳۸۹).

نظریه عمل اجتماعی (SAT):^۳ فرهنگ را در جامعه، تعیین‌کننده می‌داند و هرگونه تغییر و تحول در آن را باعث تغییر و تحول در سایر ابعاد جامعه می‌داند (رضاپور، ۱۳۸۹). رهیافت‌های متفاوتی برای به‌کارگیری انگاشت کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری وجود دارد اما از میان آنها، دو رهیافت کیفیت زندگی برگزیده - اشمیت و نول و رهیافت کیفیت اجتماعی که جامعه را به‌عنوان یک کلیت مدنظر قرار داده و علاوه بر توجه به خودمختاری فردی، کیفیت زندگی را با بهره‌گیری از روابط اجتماعی ارزیابی نموده و کاهش نابرابری‌ها و تحقق عدالت اجتماعی، هسته اصلی این دو رهیافت به حساب می‌آیند و به موضوع این پژوهش نزدیک‌ترند.

1- Intrinsic Desires

2- Theories of Human Needs (THN)

3- Social Action Theory (SAT)

جدول ۲- سنجه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی در مطالعات مختلف

سنجه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی	مطالعه
درآمد، ثروت و شغل / محیط زیست / سلامتی (روحي و جسمي) / آموزش / بی‌سازمانی اجتماعی ^۲ (جنایت، الکلیسم، اعتیاد و ...)/ از خودبیگانگی و مشارکت سیاسی (اشنایدر، ۱۹۷۶). (با تأکید بر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی)	اشنایدر ^۱ - ۱۹۷۶
اقتصادی، سیاسی، محیطی، اجتماعی و بهداشت و آموزش (Ulegin Burc, 2001)	لیو ^۲ - ۱۹۷۶
آب و هوا، مسکن، مراقبت‌های سلامتی و محیطی، جرم، حمل‌ونقل، آموزش، هنر، خلاقیت، اقتصاد	بایر و ساواگو ^۴ - ۱۹۸۱
بارندگی، رطوبت، گرمای هوای روزانه، درجه سرمای هوا، سرعت باد، تابش خورشید، ساحل، جرم و خشونت، نرخ معلم، دید، مجموع ذرات معلق، محل‌های دفن زباله	بلومکوئست ^۵ - ۱۹۸۸
امنیت عمومی، هزینه غذا، فضای زندگی، استاندارد مسکن، ارتباطات، آموزش، سلامت عمومی، صلح و آرامش، ترافیک، هوای پاکیزه	سوفیان ^۶ - ۱۹۹۳
درآمد ماهانه هر فرد، توزیع درآمد، هزینه غذای ماهانه (Ulegin Burc, 2001)	پروتاسنکو ^۷ - ۱۹۹۷
خرسندی، خودپنداری، نداشتن فشار روحی، تعاملات، روابط، حمایت‌های مادی، وضع مالی، شغل، مسکن، تحصیلات، صلاحیت فردی، کارایی، سلامت، فعالیت‌های روزانه، فراغت، کنترل فردی، ارزش‌ها و اهداف فردی، انتخاب‌ها، مشارکت، نقش‌ها، حمایت‌های اجتماعی، حقوق انسانی و حقوق مشروع (توجه به جنبه‌های ذهنی کیفیت زندگی) (رضوانی، ۱۳۸۷)	شالاک و وردوگ ^۸ - ۲۰۰۲
استانداردهای شهروندی: تعهدات اجتماعی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، برخورداری از حمایت اجتماعی و حقوق فردی / منزلت نقشی در سطوح فردی، اجتماعی و خانوادگی	داینر ^۹ ، ۲۰۰۰
تمام جنبه‌های اجتماع: فعالیت‌های شهرداری، فرصت‌های خرید (حراجی‌ها)، فرصت‌های شغلی و تعاملات اجتماعی	ویلکسنسون ^{۱۰} - ۱۹۹۱
ایمنی عمومی، هزینه غذا، فضای زندگی، استاندارد مسکن، ارتباطات، آموزش، سلامت عمومی، صلح و آموزش، جریان ترافیک، تمیزی هوا	رافیان ^{۱۱} - ۱۹۹۳
امنیت عمومی، هزینه خوراکی، فضای مسکونی، ارتباطات، آموزش عمومی، بهداشت همگانی، آرامش عمومی، حمل‌ونقل شهری، هوای سالم	کمیته بحران جمعیت

منبع: (مطالعات نگارنده)

- 1- Echnider
- 2- Disorganization
- 3- Liu
- 4- Boyer and Savageau
- 5- Blomquist et al
- 6- Sufian
- 7- Protassenko
- 8- Shallok & Vordoke
- 9- Diner
- 10- Vilxenson
- 11- Raffian

خاستگاه به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی، در برنامه ریزی شهری کشورهای بیشتر توسعه یافته می باشد و کشورهای کمتر توسعه یافته به تدریج الگوی به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی و سنجه ها و شاخص های آن را از کشورهای توسعه یافته اقتباس کردند. بررسی تجربیات کشورهای مختلف در زمینه برنامه ریزی ارتقای کیفیت زندگی، نشان دهنده تغییر توجه از ابعاد عینی و کالبدی زندگی شهری به سوی ابعاد ذهنی و برابر دانستن کیفیت زندگی با شناخت ویژگی های متقابل محیطی، توسعه اقتصادی و برابری اجتماعی نسل امروز و نسل های آینده و تحت تأثیر انگاشت پایداری است. رابطه بین انگاشت کیفیت زندگی و برنامه ریزی شهری را از دو جهت می توان مورد بررسی قرار داد: نخست، برنامه ریزی با هدف ارتقای کیفیت زندگی (Seik, 2000) و دوم، کاربردهای گوناگون انگاشت کیفیت زندگی در برنامه ریزی شهری ناشی از چندبعدی بودن این انگاشت و بین رشته ای بودن برنامه ریزی شهری که عبارتند از:

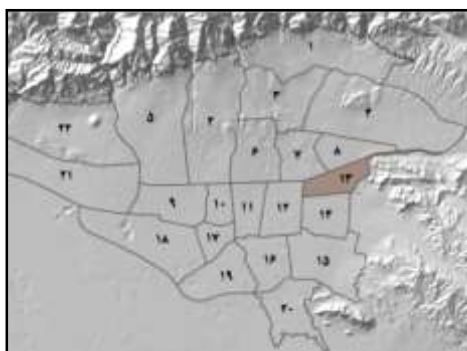
• شناسایی و تحلیل همه جانبه سیستم مورد برنامه ریزی

(رضایپور، ۱۳۸۹)

- شناسایی مشکلات و تولید اهداف جامعه (Lee, 2008)
- تخصیص بهینه و بر مبنایی برابر خواهانه منابع شهری
- ایجاد زمینه های مشارکت مردمی در برنامه ریزی
- فرایینی برنامه های شهری از طریق سنجش و بازبینی منظم کیفیت زندگی به صورت پیوسته و تکرار شونده (رضایپور، ۱۳۸۹).

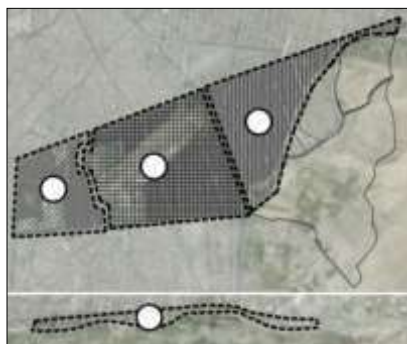
۱-۳- بررسی نمونه موردی (منطقه ۱۳ شهر تهران)

منطقه ۱۳ شهر تهران در منتهی الیه بخش شرقی شهر تهران قرار دارد «تصویر شماره ۲»، براساس اطلاعات آماری سال ۱۳۸۵ وسعتی معادل ۱۷۴۴/۷۵۴۷ هکتار و جمعیتی برابر ۲۰۰۸۳۷ نفر دارد (نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵). این منطقه براساس تقسیمات اداری شهرداری، دارای چهار ناحیه و ۱۳ محله است «تصویر شماره ۳» (طرح مطالعات و بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۱۳ شهر تهران). منطقه ۱۳ یکی از مناطقی است که نابرابری فضایی و کیفیت پایین زندگی در آن به چشم می خورد و الزاماً نابرابرترین منطقه شهر تهران خواهد بود.



تصویر ۱- موقعیت منطقه ۱۳ در شهر تهران

منبع: (یافته های نگارنده)



تصویر ۲- نواحی منطقه ۱۳ شهر تهران

منبع: (یافته های نگارنده)

بررسی ساختار فضایی و تصمیم‌گیری منطقه، زمینه قیاس بین نواحی آن را به‌منظور تحلیل پدیده نابرابری فضایی در سطح منطقه و تشخیص ناحیه‌ای که دارای بیشترین تفاوت و جدایی با سایر نواحی منطقه است در سه ساختار طبیعی-محیطی، فضایی-فعالیتی و تصمیم‌گیری بر حسب معیارهای منتخب طبقه‌بندی شده، فراهم می‌آورد. قیاس مذکور، نیاز به

تعیین معیارهایی برای تشخیص نواحی همگن دارد. این معیارها از پالایش معیارهای به دست آمده در بخش چارچوب نظری و تطبیق آن با ویژگی‌ها و شرایط خاص نمونه موردی و با در نظر گرفتن اطلاعات موجود و در دسترس، تدوین و بازبینی گردیدند «جدول ۳».

جدول ۳- معیارهای پیشنهادی شناسایی و سنجش نابرابری فضایی در منطقه ۱۳ شهر تهران

ردیف	زمینه	طبقه‌بندی موضوعی	شاخص‌ها
۱	طبیعی	محیط‌زیست	• انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی • وضعیت زیست‌محیطی
۲	فضایی-فعالیتی	کالبدی-فضایی	• متوسط ابعاد قطعات مسکونی (عرصه مسکونی) • سرانه زمین و زیربنای مسکونی • کیفیت واحدهای مسکونی • تعداد طبقات ساختمان‌های مسکونی • نحوه تصرف واحدهای مسکونی • میانگین عرضه معابر • سهم برخورداری از کاربردهای خدماتی، رفاه عمومی و گذران اوقات فراغت
		جمعیتی-اجتماعی	• اندازه جمعیت • تراکم جمعیتی (تعداد نفر در هکتار) • تراکم مسکونی (تعداد واحد مسکونی در هکتار) • نرخ خانوار در واحد مسکونی • نرخ نفر در واحد مسکونی • ساختار جنسی (نسبت جنسی) • نرخ باسوادی زنان • نرخ باسوادی مردان
		فعالیتی	• سهم اشتغال • ارزش املاک
۳	تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری	• قوانین و مقررات • مشارکت • عناصر تصمیم‌گیری

منبع: (یافته‌های نگارنده)

بررسی و قیاس اولیه ساختار فضایی و تصمیم‌گیری نواحی منطقه ۱۳ شهر تهران براساس معیارهای پیشنهادی و با استفاده از نمودارهای رتبه‌بندی-رده‌بندی (شامل نمودارهای تک‌بعدی مقایسه‌ای) و تحلیل نابرابری فضایی (تصویر ۳) بین نواحی، تأییدکننده وجود نابرابری فضایی شدید بین نواحی منطقه می‌باشد. برای اطمینان از وجود نابرابری فضایی و

تعیین ناحیه‌ای که دارای بیشترین نابرابری با سایر نواحی منطقه است، تحلیل نواحی با به‌کارگیری روش ترکیب خطی معیارها با استفاده از نقشه‌های همپوش انجام شد. با بهره‌گیری از فن ترکیب خطی، مقولات مرتبط با هر معیار، مشخص و این مقولات، ارزش‌گذاری شدند و پس از تعیین رتبه‌بندی خام و دگرگون‌شده آنها در نسبت با هم،

نقشه‌های همپوش مربوط به معیارهای مختلف تهیه گردیدند. برای ترکیب نقشه‌ها، از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)^۱ استفاده شد و معیارها با در نظر گرفتن ارزش‌های مساوی روی هم قرار گرفتند؛ به طوری که نرم‌افزار با در نظر گرفتن ارزش‌های مساوی حالت‌های مختلف ترکیب بر حسب مقولات تعریف شده، رتبه‌بندی خام و ارزش‌گذاری شده هر یک از مقولات را مشخص کرد و ناحیه‌های دارای پایین‌ترین ویژگی‌ها به لحاظ معیارهای بررسی‌شده، مشخص گردیدند. ناحیه‌های نابرابر حاصل از همپوشانی نقشه‌های به دست آمده از معیارهای مختلف، روی هم قرار داده شدند و در نهایت، ناحیه دارای بیشترین نابرابری فضایی با سایر نواحی مشخص شد (تصویر ۴).

پس از تعیین ناحیه نابرابر با بهره‌گیری از معیارها و روش منتخب، بررسی نابرابری فضایی و کیفیت زندگی با استفاده از دیدگاه افراد ساکن و تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌های شهری از طریق پرسشنامه انجام شد و از همپوشانی نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های مذکور با نتایج به دست آمده از مراحل قبلی (شامل قیاس تحلیلی و نقشه‌های همپوش) تحلیل نهایی نابرابری فضایی و کیفیت زندگی در منطقه و شناسایی و معرفی نابرابرترین ناحیه و همچنین ناحیه دارای پایین‌ترین کیفیت زندگی، انجام گرفت.

سنجش کیفیت زندگی در نمونه موردی، با به‌کارگیری سنجه‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت‌مندی شهروندان از زندگی شهری صورت می‌گیرد. به بیانی دیگر، کیفیت زندگی برابر با کیفیت زندگی ذهنی و مربوط به میزان رضایت‌مندی شهروندان، در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو، پرسشنامه‌هایی در دو بخش شامل معیارها و سنجه‌های پیشنهادی نابرابری فضایی و کیفیت زندگی (به دست آمده از بررسی چارچوب‌های نظری مرتبط با کیفیت زندگی و انطباق با ویژگی‌های ساختار فضایی و تصمیم‌گیری نمونه موردی) و متناسب با شرایط نمونه موردی، تنظیم و پس از چند مرحله، اصلاح نهایی می‌شوند. داده‌ها به روش مصاحبه رو در رو، با توجه به تفکیک حجم نمونه انتخاب شده بر حسب جمعیت محلات منطقه، جمع‌آوری می‌شوند. حجم نمونه، طبق فرمول کوکران (براساس این رابطه تعداد ۳۵۰ پرسشنامه در نواحی منطقه تکمیل شدند) انتخاب و داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی، مورد تحلیل قرار گرفتند. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، داده‌ها مورد تحلیل آلفای کرباخ قرار گرفتند. مقدار ضریب آلفای پرسشنامه‌ها برابر با ۰/۶۹۸ بود که نشان‌دهنده همبستگی قابل قبول اجزای درونی پرسشنامه‌ها می‌باشد و روابط بین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی و نابرابری فضایی از دیدگاه افراد ساکن در سال ۱۳۹۰ در منطقه ۱۳ شهر تهران، تبیین می‌شود.

جدول ۴- سنجه‌های پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی در منطقه ۱۳ شهر تهران

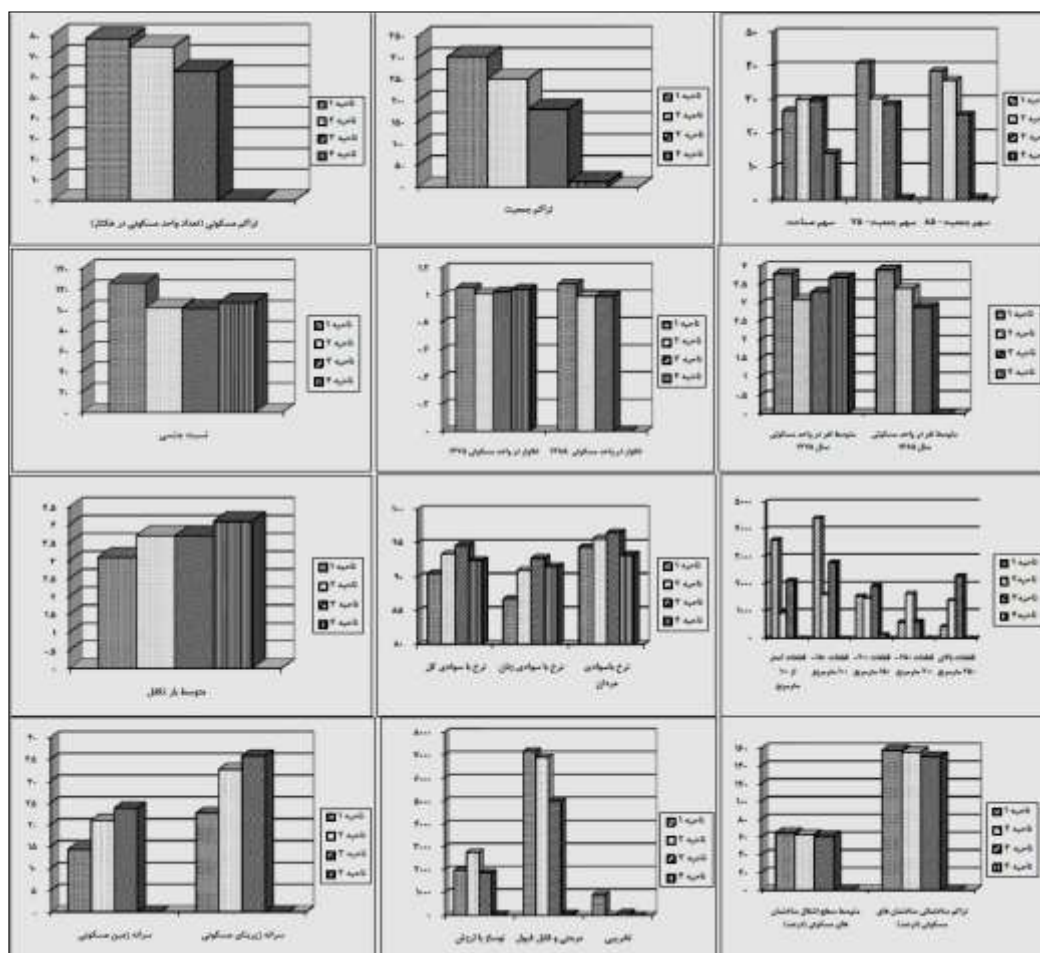
ردیف	زمینه کلی	سنجه‌ها
۱	خدمات رفاهی	خدمات بهداشتی و درمانی مراکز خرید روزانه مراکز خرید غیرروزانه مکان‌های آموزشی بانک‌ها و ادارات خدمات عمومی (برق، تلفن، آب، گاز، آتش‌نشانی، امدادی و ...) مساجد و مراکز مذهبی
۲	امنیت اجتماعی	حضور نیروهای امنیتی امنیت مالی (محل سکونت و خودرو) امنیت جانی در برابر ضرب‌و شتم‌گیران، معتادان و افراد ناباب امنیت پارک‌ها، فضاهای عمومی و زمین‌های خالی ایمنی در برابر تصادف با وسایل نقلیه موتوری تسهیلات و روشنایی خیابان‌ها و کوچه‌ها
۳	محیط‌زیست و آلودگی‌ها	کیفیت هوا (نبود آلودگی‌ها) نحوه و زمان‌بندی جمع‌آوری زباله در محله و نظافت کوچه‌ها، خیابان‌ها و مکان‌های عمومی آلودگی‌های صوتی فاضلاب و بوی بد ناشی از آن
۴	خدمات حمل‌ونقل	امکانات حمل‌ونقل عرض معابر دسترسی پیاده فضای پارکینگ
۵	نواحی گذران اوقات فراغت	فضاهای سبز فضاهای فرهنگی فضاهای ورزشی
۶	حس تعلق و وابستگی به محله	حس تعلق به محله و روابط با همسایگان تمایل به اینکه دیگران از محل زندگی فرد با خبر شوند خوانایی نشانی محل سکونت تلاش برای بهبود شرایط محله
۷	کیفیت مسکن	واحد مسکونی فرسوده / غیرفرسوده مساحت واحد مسکونی امکانات واحد مسکونی
۸	ازدحام و شلوغی محله	ازدحام و شلوغی محله
۹	خدمات شهرداری و شوراییاری	خدمات شهرداری و رسیدگی به شکایات خدمات شوراییاری و رسیدگی به شکایات
۱۰	زندگی کلی	محل سکونت سلامت جسمی آرامش روحی زندگی خانوادگی نوع شغل درآمد وضعیت و سطح تحصیلی

منبع: (یافته‌های نگارنده)

پایین‌ترین کیفیت زندگی می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از مقایسه کیفیت زندگی در نواحی نمونه موردی، ناحیه یک به‌عنوان ناحیه‌ای که در مقایسه با سایر نواحی، پایین‌ترین کیفیت زندگی را دارد، مشخص شد.

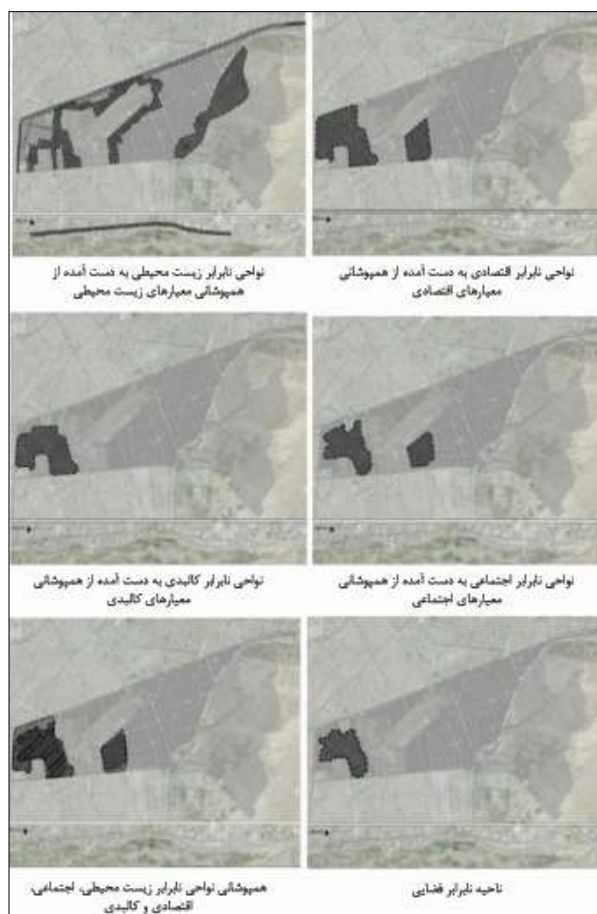
علاوه بر پرسشنامه‌های ساکنین، به همین شیوه پرسشنامه‌هایی برای سنجش دیدگاه‌های مسئولین، جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج پرسشنامه‌های ساکنین و مسئولین در بررسی نابرابری فضایی، تأییدکننده وجود نابرابری فضایی در بین نواحی منطقه است؛ به‌طوری‌که بیشترین مشکلات از نظر تعداد و شدت، مربوط به ناحیه یک است. از همپوشانی نتایج به دست آمده از این مرحله با نتایج مراحل قبلی، ناحیه یک به عنوان نابرابرترین و پایین‌ترین کیفیت زندگی در مقایسه با سایر نواحی نمونه موردی، شناسایی شد.

قیاس کیفیت زندگی نواحی نمونه موردی شامل بررسی یافته‌های توصیفی مربوط به نحوه توزیع متغیرها و ویژگی‌های نمونه آماری مربوط به سنج‌های کیفیت زندگی می‌باشد. پس از تحلیل توصیفی اطلاعات به دست آمده از سنجش رضایت‌مندی ساکنین نواحی نمونه موردی، میزان رضایت‌مندی افراد ساکن، ارزش‌گذاری و رتبه‌بندی شد. میانگین سنج‌های کیفیت زندگی در نظر گرفتن رتبه‌بندی مذکور، محاسبه و از ترکیب میانگین سنج‌ها، میانگین هر یک از زمینه‌ها در نواحی نمونه موردی، محاسبه گردید. در مقایسه و ترکیب سنج‌های کیفیت زندگی برای تمامی سنج‌ها در نسبت با یکدیگر، ارزش یکسانی در نظر گرفته شد. با ترکیب میانگین‌های به دست آمده برای هر یک از سنج‌های کیفیت زندگی، میانگین هر ناحیه مورد محاسبه قرار گرفت. از مقایسه میانگین سنج‌های به دست آمده برای نواحی چهارگانه، مشخص گردید که ناحیه دارای



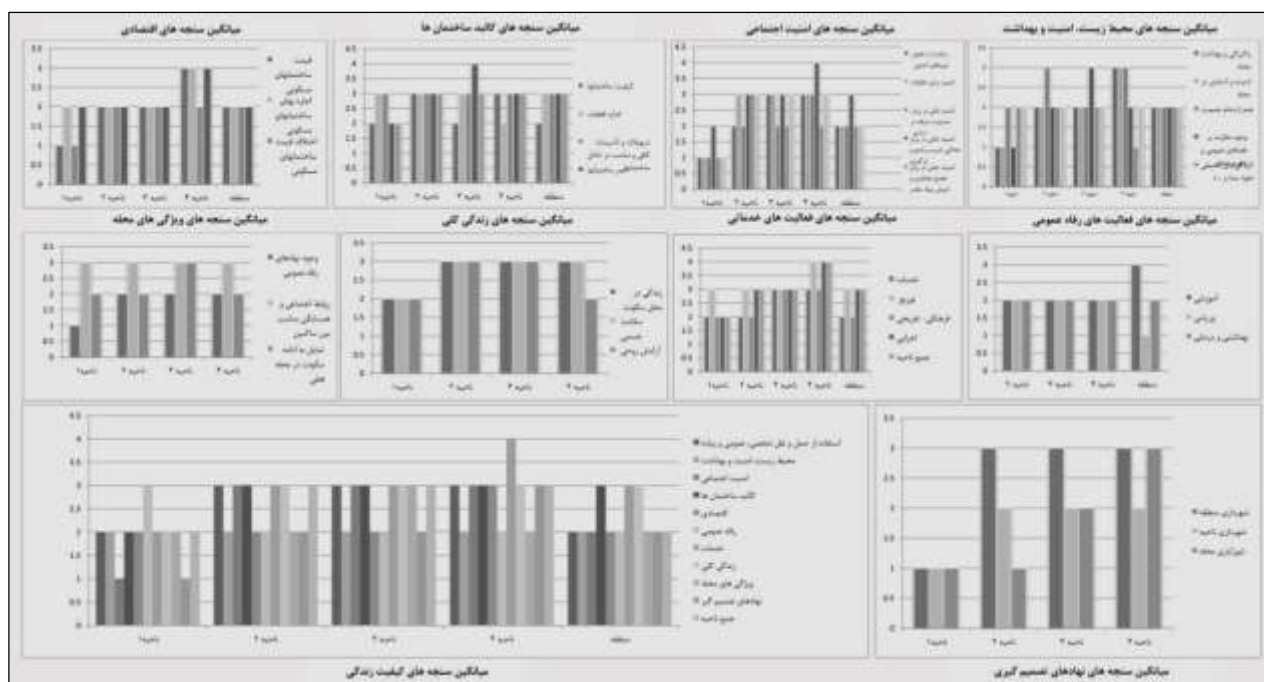
تصویر ۳- نمودارهای رتبه‌بندی - رده‌بندی تحلیل نابرابری فضایی بین نواحی منطقه ۱۳ شهر تهران

منبع: (یافته‌های نگارنده)



تصویر ۴- همپوشانی نقشه‌های استخراج شده از معیارهای نابرابری فضایی و تعیین ناحیه نابرابر فضایی در منطقه ۱۳ شهر تهران

منبع: (یافته‌های نگارنده)



تصویر ۵- سنجش و مقایسه کیفیت زندگی براساس میانگین سنجش‌های پیشنهادی در نواحی منطقه ۱۳ شهر تهران

منبع: (یافته‌های نگارنده)

۱-۲- مشکل یابی در منطقه ۱۳ شهر تهران

در راستای کارآمد ساختن برنامه پیشنهادی در نمونه موردی، مشکلات برنامه ریزی منطقه حاصل از پالایش مشکلات به دست آمده از بررسی ساختار فضایی و تصمیم گیری و قیاس نواحی براساس معیارهای پیشنهادی نابرابری فضایی، مشکلات به دست آمده از بررسی برنامه های گذشته و موجود منطقه و مشکلات به دست آمده از پرسشنامه های افراد ساکن و مسئولین، براساس سنجه های ذهنی کیفیت زندگی و معیارهای نابرابری فضایی مشخص شد. در راستای استخراج مشکلات از مسیرهای مذکور، دو بیانیه تدوین شد: ۱- بیانیه مشکلات مبتنی بر بررسی شاخص های عینی و ۲- بیانیه مشکلات مبتنی بر بررسی سنجه های ذهنی. یکپارچه سازی معیارهای نابرابری فضایی و سنجه های کیفیت زندگی و معرفی معیارهای یکپارچه رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی پس از معرفی و بازبینی چارچوب برنامه ریزی پیشنهادی براساس ویژگی های نمونه موردی، زمینه پالایش دو بیانیه مذکور و تدوین بیانیه نهایی مشکلات برنامه ریزی در نمونه موردی را فراهم آورد.

۲-۲- برنامه ریزی رویارویی با نابرابری فضایی در منطقه ۱۳ شهر تهران

با توجه به اهداف نوشتار و پس از بررسی چارچوب های نظری، فنی و تجربی انگاشت های مرتبط با موضوع و تطبیق آن با ویژگی های نمونه موردی، از میان نظریات، تفکر بوم شناسی اجتماعی که رفتارها و ویژگی های اجتماعی- اقتصادی ساکنین یک شهر را به شکل فضایی آن مرتبط می داند و نظریه عمل اجتماعی که انگاشت کیفیت زندگی را در چارچوب مسیرهایی برای دستیابی به اهداف، تعریف می کند، به عنوان نظریات منتخب و از میان رهیافت های برخورد نیز رهیافت تجدید حیات شهری برای رویارویی با نابرابری فضایی و رهیافت کیفیت زندگی برگزیده شد و نول که جامعه را به عنوان یک کلیت واحد در نظر می گیرد و علاوه

بر عوامل فردی، بر عوامل اجتماعی نظیر برابری^۱، آزادی، امنیت و انسجام^۲ تمرکز دارد، به عنوان رهیافت های منتخب برای به کارگیری در نمونه موردی، انتخاب گردیدند. چارچوب پیشنهادی رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی در نمونه موردی، بر اساس دو زمینه و مسیر محتوایی و روند کاری، تدوین می شود. بر این اساس، ابزار و پیش شرط های اصلی راه اندازی یک سازوکار مناسب و فرایند پیشنهادی، معرفی شده و به کارگیری آن در نمونه موردی، مورد آزمون قرار می گیرد. بر این اساس، عمده ترین نتایج به دست آمده از بررسی ها که باید به عنوان پیش شرط در برنامه ریزی مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

- اهمیت و نقش امکانات و عوامل تنظیم کننده به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی و کاهش نابرابری فضایی مبتنی بر روش شناسی بین رشته ای و دربرگیرنده قلمروهای گسترده

- توجه به منفعت عمومی و ابعاد گوناگون غیرکالبدی شامل ابعاد محیطی، اقتصادی، فرهنگی، روان شناختی و اجتماعی در برنامه ریزی

- در نظر گرفتن معیارهای عینی عناصر محیطی و سنجه های ذهنی مرتبط با واکنش مردم نسبت به عناصر در بردارنده ویژگی های نابرابری فضایی و کیفیت زندگی (معیارهای یکپارچه)

- اهمیت فراوان به نقش مردم در فعالیت برنامه ریزی
- توجه همزمان به واقعیت های عینی^۳ زندگی و ادراکات ذهنی^۴ از این واقعیت ها

- در نظر گرفتن ویژگی های پایه نابرابری میان نواحی مسکونی در تحلیل ها و جستجوی وجوه مهم ایجادکننده آنها
- توجه به عدم استقلال نواحی مسکونی شهر و در نظر گرفتن تغییر ویژگی های فضایی یک ناحیه مسکونی به عنوان یکی از عوامل تغییر سایر نواحی

1- Equality
2- Solidarity
3- Objective
4- Subjective

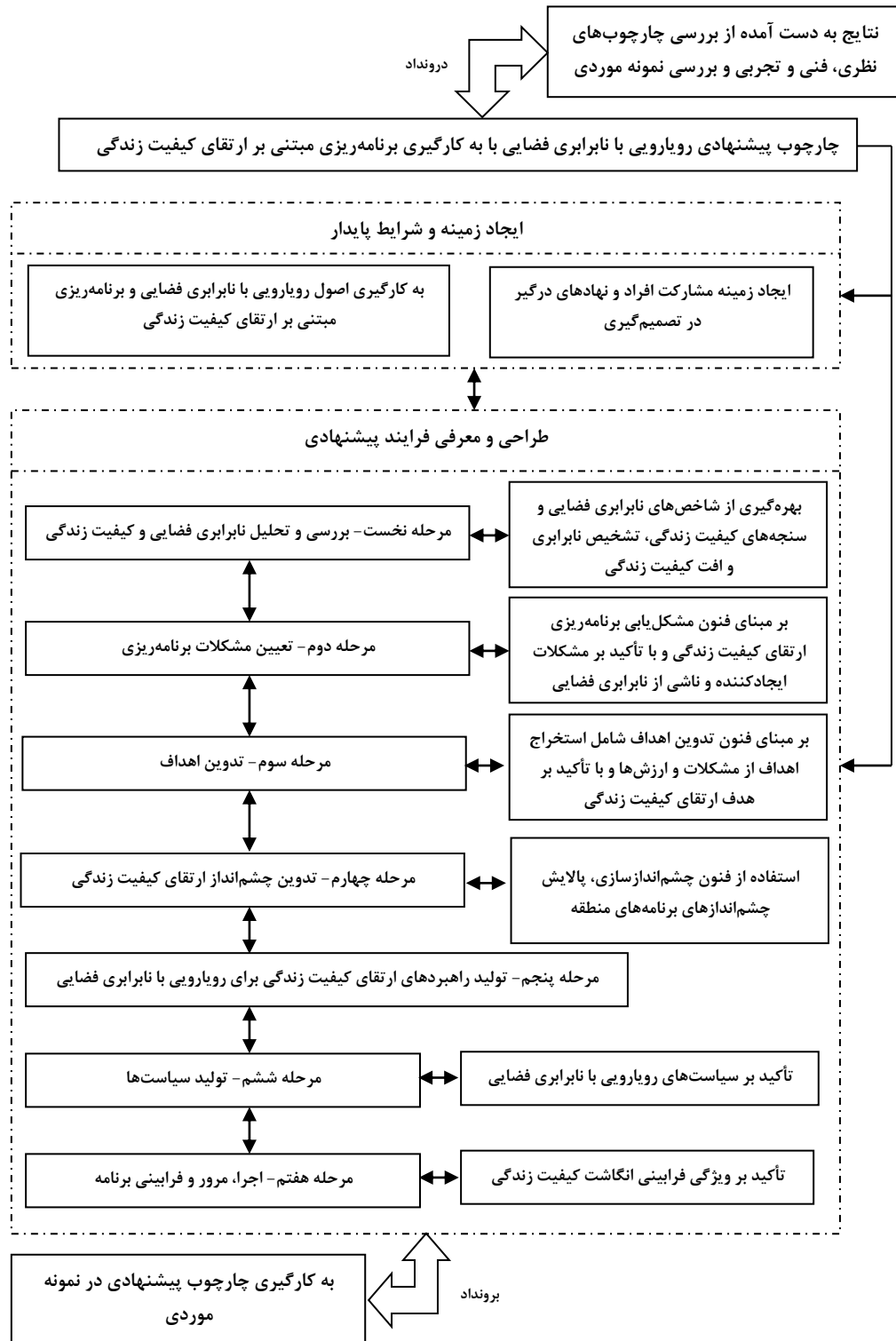
حرکت در دستیابی به آنها را مشخص ساخت (تفکر برنامه‌ریزی هدف- سو^۲) که البته ترکیبی از این دو شیوه نه فقط ممکن، بلکه مطلوب است و در اینجا مورد توجه می‌باشد (شکل ۱):

• توجه به تفاوت‌های بارز و آشکار ساختار فضایی نواحی مختلف منجر به پیدایش نابرابری فضایی و کیفیت زندگی متفاوت در آنها و لزوم تحلیل مشکلات و فرصت‌های محیطی ایجادکننده این تفاوت‌ها.

علاوه بر نتایج فوق، از جمله پیش‌شرط‌های دیگر برنامه‌ریزی برای کاهش نابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی، ایجاد زمینه مشارکت دادن گروه‌های مختلف است. این گروه‌ها شامل دو دسته نهادهای دولتی دارای قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و نهادهای محلی رسمی و غیررسمی فعال در عرصه‌های جمعی می‌شوند. امکان‌پذیر شدن افزایش مشارکت این دو دسته در فرایند برنامه‌ریزی، مشروط و نیازمند فراهم‌آوردن زمینه‌هایی است که به صورت فشرده عبارتند از:

- آگاه‌سازی شهروندان در رابطه با نقش محوری آنها در برنامه‌ریزی
- آگاه‌سازی تصمیم‌گیران و شهروندان در رابطه با انگاشت کیفیت زندگی و نابرابری فضایی
- اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری شهری در راستای تسهیل امر مشارکت شهروندان
- بازبینی قوانین و هماهنگ‌سازی آنها با مشارکت افراد و گروه‌های درگیر.

پس از ایجاد شرایط پایه، باید اقدام به طراحی و اجرای فرایند رویارویی با نابرابری فضایی از طریق به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی در نمونه موردی کرد. تدوین این فرایند از قیاس متناظر مراحل هر دو فرایند برنامه‌ریزی، مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی و رویارویی با نابرابری فضایی، انجام می‌گیرد. به‌طوری‌که در هر مرحله و به فراخور هر مرحله، کاهش نابرابری‌های فضایی و ارتقای کیفیت زندگی شهری، مورد توجه قرار می‌گیرد. برای طراحی فرایند پیشنهادی می‌توان در چارچوب دو سناریو به کار پرداخت: یا روش‌های مناسب با کشف مشکلات، انتخاب شوند و اهداف و راهبردهایی را به آنها مربوط کرد (تفکر برنامه‌ریزی مشکل- سو^۱) یا با تعیین ارزش‌ها، چشم‌انداز و اهداف کلان، مسیر



شکل ۱- چارچوب پیشنهادی رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی

منبع: (یافته‌های نگارنده)

مراحل طراحی و معرفی فرایند پیشنهادی به شرح

ذیل می‌باشد:

الف - تدوین بیانیه اهداف

اهداف برنامه‌ریزی ارتقای کیفیت زندگی توسط گروه برنامه‌ریزی و با درگیری و مشارکت همه اجتماع (شامل افراد، گروه‌ها و نهادها)، گروه برنامه‌ریزان (تصمیم‌سازان) و تصمیم‌گیرندگان در قالب اهداف کلان و خرد، تدوین می‌شوند. بیانیه نهایی اهداف منطقه ۱۳ از پالایش شامل تجمیع، تلفیق و حذف اهداف مشابه تدوین شده براساس برنامه‌های گذشته و موجود منطقه، اهداف منتج از مشکلات و ارزش‌های گروه‌های درگیر در تصمیم‌گیری‌ها، تدوین می‌شوند. ارتقا و ایجاد شرایط برابر زیست‌محیطی، تعدیل نابرابری‌های موجود بین ساکنین نواحی مختلف منطقه، دستیابی به شرایط مناسب کالبدی و عملکردی، اجتماعی، کیفیت اشتغال و کاهش میزان بیکاری با بهره‌گیری از توان‌ها و پتانسیل‌های موجود و ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد مختلف آن، از مهمترین اهداف برنامه‌ریزی در این منطقه می‌باشند.

ب - تدوین بیانیه چشم‌انداز ارتقای کیفیت زندگی

بیانیه نهایی چشم‌انداز منطقه ۱۳ شهر تهران، براساس بیانیه اهداف و از پالایش بیانیه‌های چشم‌انداز برنامه‌های گذشته و موجود منطقه و تولیدشده از فن چشم‌اندازسازی ارگون^۱ مبتنی بر بیانیه‌های دارایی، نیاز و تداوم تمایل، تدوین می‌شود. منطقه‌ای با کیفیت زندگی و محیط‌زیست پایدار، ساختار جمعیتی، اجتماعی یکپارچه و منسجم، اقتصاد پایدار و برابر، ساختار تصمیم‌گیری منسجم و با حداقل نابرابری‌ها و دارای ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت، قسمت‌هایی از بیانیه چشم‌انداز منطقه محسوب می‌شوند.

ج - انتخاب و به‌کارگیری روش طراحی برنامه

روش تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، به‌عنوان روش طراحی برنامه در منطقه ۱۳ شهر تهران، انتخاب می‌شود.

روش مذکور با استفاده از اطلاعات اولیه در مورد مشکلات برنامه‌ریزی، عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط با رویارویی با نابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی را تعیین می‌کند و پس از تعیین اختیاراتهای عرصه‌های تصمیم‌گیری، به تولید سناریوهای ممکن از ترکیب اختیاراتهای سازگار می‌پردازد و با امتیازدهی آنها، سناریوی منتخب را معرفی می‌کند. سناریوی برتر در منطقه ۱۳ شهر تهران عبارت است از: افزایش حفاظت از محیط‌زیست، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش جمعیت و فعالیت و افزایش کاربردهای شهری و بهبود کالبد مسکن و شبکه ارتباطی و نیز ارتقای ساختار فضایی و تصمیم‌گیری. پس از تعیین عرصه‌های سیاست‌گذاری، سازگاری اختیاراتهای آنها در یک ماتریس بررسی و اختیار برتر هر عرصه سیاست‌گذاری، مشخص می‌گردد و براساس آن راهبردهای برنامه‌ریزی تولید می‌شوند.

د - تدوین بیانیه راهبردها

با استفاده از بیانیه نهایی، اهداف و روش به‌کار گرفته شده برای طراحی برنامه، راهبردهای گزینه به منظور رویارویی با نابرابری فضایی از طریق به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، تدوین می‌شود. بیانیه نهایی راهبردهای منطقه، از پالایش راهبردهای استخراج شده از برنامه‌های منطقه و راهبردهای به دست آمده از روش تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط تولیدشده و در دو قسمت راهبردهای مرتبط با منطقه و ناحیه یک ارائه می‌شوند.

ه - تدوین پروگرام‌های عملیاتی

با درنظر گرفتن انواع خط‌مشی‌ها و اقدامات لازم برای رویارویی با نابرابری‌های فضایی مشتمل بر پیشنهادیهای اقتصادی، محیطی و کالبدی، آموزشی و واحد همسایگی و بیانیه راهبردها، تدوین سیاست‌های برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

و - اجرا، مرور و فرایینی برنامه

با توجه به ویژگی فرایینی برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، فرایند پیشنهادی نیز دارای ویژگی فرایینی می‌باشد. در بازنگری و ارزیابی - با وجود شرایط در حال تغییر -

۱- فن چشم‌اندازسازی آرگون از فرایندی متشکل از چهار گام تشکیل شده است:

- اکنون کجا هستیم؟

- به کجا می‌رویم؟

- کجا می‌خواهیم باشیم؟

- چگونه به آنجا برسیم؟

باید ارزیابی‌های دوره‌ای برنامه شامل بازنگری اهداف خرد را انجام داد.

در کاهش نابرابری‌های فضایی و ارتقای کیفیت زندگی، راهبردهای تأمین مسکن و بهبود شرایط کالبدی، توسعه اقتصادی- اجتماعی و توجه به محیط‌زیست، دارای اهمیت بسیاری است. نابرابری فضایی و کیفیت زندگی به مباحثی چون درآمد یا اشتغال محدود نمی‌شود. وضعیت نامطلوب زندگی در نواحی دچار نابرابری به ساختار خانواده، مناسبات و هویت اجتماعی ساکنین این نواحی، آسیب‌های جدی می‌زند و تأثیرات آنها بر کل جامعه وارد می‌آید. به کارگیری چارچوب پیشنهادی با شناخت اولویت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان این نواحی و تلاش برای تأمین آنها، نقشی اساسی در کاهش نابرابری‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین دارد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نگارش مقاله پیش رو در فرایندی چرخه‌ای به شرحی که گذشت، زمینه پاسخ به پرسش‌ها و دستیابی به اهداف و مسیر انجام پژوهش‌های بعدی مرتبط با موضوع مورد پژوهش را فراهم می‌آورد:

نابرابری فضایی به‌عنوان مشکل برنامه‌ریزی است که از روابط پیچیده سه ساختار طبیعی، کالبدی- فعالیتی و تصمیم‌گیری، به‌عنوان نیروهای تأثیرگذار بر کل ساختار شهر ناشی می‌شود و پیامدهایی از جمله توزیع نامتوازن خدمات رفاهی، شکل‌گیری و رشد نواحی دچار افت و محرومیت و نواحی فقیر فرسوده شهری را در پی دارد و باید در شناسایی، سنجش و مقابله با نابرابری فضایی، مورد توجه قرار گیرند.

ناکارآمدی رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی در رویارویی با نابرابری فضایی، به دور از نگاهی جامع و چندبعدی به زندگی شهری، ضرورت معرفی و به کارگیری شیوه برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی را مطرح می‌سازد. شیوه‌ای که با به کارگیری انگاشت همه جانبه کیفیت زندگی، ابعاد ذهنی و عینی زندگی شهری را در نظر داشته و بر حسب ویژگی‌های نمونه موردی، به برنامه‌ریزی می‌پردازد. برنامه‌ریزی مبتنی بر

ویژگی‌های مذکور، بر تدارک شرایط ضروری محیطی (کیفیت زندگی عینی) و رضایت از شرایط محیط (کیفیت زندگی ذهنی) و نوآوری در خلق راه‌حل‌های متفاوت و همه‌جانبه برای مشکلات برنامه‌ریزی گوناگون، تأکید دارد.

تلفیق دو فرایند «رویارویی با نابرابری فضایی» و «برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی» براساس دو مسیر محتوایی و روند کاری و با در نظر گرفتن قیدها و محدودیت‌های به کارگیری کیفیت زندگی و رویارویی با نابرابری فضایی از یک سو و فرصت‌های به کارگیری آن از سوی دیگر و بر مبنای نتایج به دست آمده از بررسی چارچوب‌های نظری، فنی و تجربیات مرتبط با موضوع مورد پژوهش و شناخت و تحلیل نمونه موردی و پس از معرفی زمینه و شرایط پایه و به کارگیری آن در نمونه موردی، به‌منظور دستیابی به برابری و ارتقای کیفیت زندگی در منطقه، به‌عنوان شیوه‌ای متمایز از شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی که به سطوح خرد شهری توجه دارد و پیشنهاد و به کارگیری روش و معیارهای یکپارچه نابرابری فضایی و کیفیت زندگی، به‌عنوان معیارهای متمایز از معیارهای متداول برنامه‌ریزی، از عمده‌ترین دستاوردهای این مقاله محسوب می‌شوند.

منابع

خالوباقری، مهدیه، (۱۳۹۰). رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی- نمونه موردی منطقه ۱۳ شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

دانشپور، زهره، (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

دانشپور، زهره، (۱۳۷۸). تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مجله صفه، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹، صفحات ۳۴-۵۲.

- Hagerty, M., Cummins, Robert A., Ferriss, Abbottl., Land Kenneth, Michalos, Alex C., Peterson Mark, Sharpe, Andrew, Sirgy, Joseph, Vogel, Joachim, 2001. Quality of life indexes for national policy: Review and agenda for research. *Social Indicators Reseasch*, Vol. 55, No. 1, p. 1-96.
- Lee, J., Wong, D., 2001. Statistical analysis with arc view GIS. John Wiley and Sons, New York, 135-137.
- Lee, Yung-Jaan, 2008. Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, Vol. 43, No. 7, P. 1205-1215.
- Morais, P., 2010. Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements. *Elsevier*, Vol. 39, No. 4, P. 398-409.
- Seik, Foo Tuan, 2000. Subjective assessment of urban quality of life in Singapore. *Habitat International*, Vol. 24, No. 1, P. 31-49.
- Ülengin BurÇ, Ülengin, Füsün, Güvenç, Ümit, 2001. A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul. *European Journal of Operational Research*, Vol. 130, No. 2, P. 361-374.
- WHOQOL., 1993. Measuring Quality of Life: The Development of the World Health Organization Quality of life. World Health Organization.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی شهر نورآباد لرستان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین، (۱۳۸۷). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۳.
- رضاپور، مریم، (۱۳۸۹). سنجش کیفیت زندگی کیفیت زندگی - نمونه موردی منطقه ۸ شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات خوشبین.
- نجات، سحرناز، (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن، مجله تخصصی اپیدمیولوژی، دوره ۴، شماره ۲.
- نصیری، اسماعیل، (۱۳۸۸). کاربرد تلفیق روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره مکانی با GIS در کاربری اراضی شهری، فصلنامه ژئوماتیک.
- نوغانی، محسن؛ اصغری‌پور، احمدرضا؛ صفا، شیما؛ کرمانی، مهدی، ۱۳۸۷: کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- هاروی، دیوید، ۱۳۷۶: عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، انتشارات پردازش.